

مبارزات ضد استبدادی زنان مسلمان ایران در عصر مشروطه

فصلنامه مطالعات تاریخی



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

مبارزات ضد استبدادی زنان مسلمان ایران در عصر مشروطه

● محمد طاهری خسروشاهی*

۱۶۱

مقدمه

پیشینه تاریخی مشارکت گسترده زنان در عرصه سیاست و اجتماع پیش از عصر قاجار، چندان روشن نیست. شاید «قتل گریبایدوف روس» و «نهضت تنباکو» اولین حرکت‌های استبدادستیزانه مردمی در عصر قاجار باشد که در آن، زنان نیز مشارکت کرده‌اند.

قتل گریبایدوف؛ آغاز حرکت زنان

در پی شکست ایران در جنگ با روسیه تزاری و انعقاد دو عهدنامه گلستان و ترکمانچای که به از دست رفتن هفده شهر قفقازی ایران منجر شد، دولت روسیه وزیرمختاری به نام گریبایدوف را به منظور اجرای مفاد عهدنامه ترکمانچای به تهران گسیل داشت. وی در طول ایام اقامت در تهران از بدرفتاری با مردم پایتخت و جسارت به ناموس مسلمانان فروگذار نمی‌کرد و هر روز به وجهی موجبات رنجش مردم را فراهم می‌آورد. «گریبایدوف که برای استرداد اسیران ارمنی و گرجی به تهران آمده بود، در امر جمع‌آوری آنان به خشونت رفتار می‌کرد و ... چون دو نفر از زنان تازه مسلمان [گرجی] را به عنوان اینکه تابع دولت روس هستند می‌خواست از خانه شوهرشان بیرون کشد؛ میرزا مسیح مجتهد تهرانی مردم را به قیام بر ضد سفارت روس برانگیخت.»^۱ مردم خشمگین و غیرتمند تهران وزیرمختار روس را به تاریخ ۱۲۴۴ قمری کشتند و در این

حادثه «زنان تهران شور و حرارت زیادی از خود نشان دادند و تا آخرین دقیقه‌ای که هیاهوی مردم در خراب کردن سفارت روس ادامه داشت، زنان از پای ننشستند.»^{۳ و ۲}

زنان در بلوای نان

سال ۱۲۷۷ قمری، خشکسالی شدیدی سراسر کشور را فراگرفت. در پی وقوع خشکسالی، مغازه‌های نانوايي هر روز شاهد درگیری میان عابران و مردم بی‌گناه بود. در یکی از روزهای خشکسالی که ناصرالدین‌شاه از شکار بازمی‌گشت «انبوه چند هزار نفری جلوی او را گرفتند. آنها نان می‌خواستند و در مقابل چشم شاه، دکان نانوايي را غارت کردند. روز بعد آشوب از نو برخاست... چند هزار زن هجوم آوردند و به ضرب سنگ و چوب، مأموران دولتی را از پای درآوردند.»^۴ در مقابل این حرکت خودجوش زنان، «کلانتر تهران برای اینکه غوغا را بخواباند، با گروهی از گماشتگان خود به سوی زنان حمله برد و با ضربت او زنی خون‌آلود گردید... از زنان شیون و فغان برخاست.»^۵

نقش زنان در قیام تنباکو

۱۶۲

بر اساس مستندات تاریخی، در قیام تنباکو که به سال ۱۳۰۹ قمری و در حمایت از فتوای مرجع تقلید وقت آیت‌الله میرزای شیرازی و بر ضد استبداد داخلی و استعمار خارجی روی داد، زنان پیشتاز بودند. مرحوم شیخ حسن کربلایی، صاحب «رساله دخانیه»، روایت جالبی از حضور زنان در قیام تنباکو دارد: «هنگام ظهر دیگر نوبت زنان شهر رسیده، زنان نیز دسته دسته و فوج فوج جمع آمده، جمعیت زنان نیز انبوه شد. اول کارشان این بود که روانه بازار شدند، هر دکان را گشوده دیدند؛ خواهی نخواهی بستند... این جمعیت زنان با آن همه انبوهی و کثرت پس از فراغت از این کارها تماماً سرها را از روی چادرها لجن گرفته و فریاد و فغان‌کنان رو به ارگ دولتی رفتند.»^۶

شیخ حسن کربلایی درباره شعارهای زنان در قیام تنباکو می‌نویسد: «و فریادهایی بدین مقوله گفتار بلند بود که: ای خدا می‌خواهند دین ما را ببرند!! علمای ما را بیرون کنند تا فردا عقد ما را فرنگیان ببندند!! اموات ما را فرنگیان کفن و دفن کنند و بر جنازه ما فرنگیان نماز گزارند...»^۷ در کتاب «تحریم تنباکو» نیز ضمن تأکید بر روحیه دینی زنان در تظاهرات قیام تنباکو درباره شعارهای مردمی می‌خوانیم: «جمعیت زنان با روبند سفید و چاقچور اغلب سر خود را لجن مالیده و شیون و ناله می‌کردند و یا علی و یا حسین می‌گفتند... زنان که به میدان ارگ رسیدند، همه و فریادشان بیشتر شد. مکرر و با صدای بلند به شاه فحش می‌دادند و می‌گفتند: "وا اسلاما"، "وا شریعتا"^۸

همچنین در این کتاب آمده است: «ناصرالدین شاه به اندرون انیس الدوله که بی اندازه مورد توجه شاه بود وارد شد... شاه از انیس الدوله پرسید: خانم چرا قلیان‌ها را از هم جدا و جمع می‌کنند؟! جواب داد برای آن که قلیان حرام شده. ناصرالدین شاه روی در هم کشیده با تغییر گفت: که حرام کرده؟! انیس الدوله گفت: همان که مرا به تو حلال کرده است!»^۹

مبارزات زنان در انقلاب مشروطه

زنان ایرانی از آغاز انقلاب مشروطیت در این حرکت مهم سهم داشته‌اند. در پی تشدید قلدرمآبی علاءالدوله حاکم تهران و آزار و اذیت او نسبت به برخی از بازرگانان متدین شهر، جمعی از بازاریان در انتقاد از رفتار این حاکم ضد دین و مستبد، در یکی از مساجد شهر تحصن کردند. وی با تشدید رفتار سبعانه خویش، تحصن آرام بازاریان را به آشوب و بلوایی گسترده بدل کرد؛ چنانچه موجب حرکت روحانیون به صحن مقدس حضرت عبدالعظیم حسنی و تحصن در این حرم شریف شد. در این حرکت ضد استبدادی، زنان تهران با مشاهده رفتار مستبدانه علاءالدوله به ایفای نقش تاریخی خود پرداختند. «پس از نهار چون شاه بازمی‌گشت، مردم در سر راه او انبوه شدند و زنان، گرد کالسکه او را گرفته و فریاد می‌زدند: ما آقایان و پیشوایان دین را می‌خواهیم... ای شاه مسلمان بفرما رؤسای مسلمان را احترام کنند.»^{۱۰} احمد کسروی با نقل این فراز می‌گوید: «زنان با همین رو بند و چادر، کار بسیار کردند.»^{۱۱}

ناظم الاسلام کرمانی نیز درباره این حرکت زنان که در حمایت از علمای دین صورت گرفت، می‌نویسد: [زنان به ناصرالدین شاه گفتند:] ما مسلمانیم و حکم آقایان را واجب‌الاطاعه می‌دانیم. چطور راضی شویم علما را نفی بلد و تبعید نمایند. ای پادشاه اسلام علما را خوار و ذلیل نخواهید. ای پادشاه اسلام اگر وقتی روس و انگلیس با تو طرف شوند، شصت کرور ملت ایران، به حکم این آقایان جهاد می‌کنند.»^{۱۲}

به نوشته یحیی دولت‌آبادی، در جریان تحصن علما در شهر ری و پس از صحبت زنان با شاه، «زن‌ها با سنگ، بالای صحن حرم حضرت عبدالعظیم رفتند تا اگر سربازان بخواهند شلیک کنند و بی‌احترامی به مرقد مقدس کنند، تفنگچی‌ان را سنگباران نمایند.»^{۱۳}

جالب است بدانیم در جریان بست‌نشینی مسجد شاه نیز، «زنان عهده‌دار حفاظت رهبران جنبش به خصوص روحانیون بودند.»^{۱۴}

یکی از مؤلفان معاصر در این باره می‌نویسد: «گروهی از زنان به سرکردگی زنی مشهور به «زن حیدرخان تبریزی» مراقبت و حفاظت از جان علمای مشروطه‌خواهی را که بر منابر سخنرانی می‌کردند، بر عهده داشتند.»^{۱۵}

در پی وقوع حادثه‌ای که به شهادت «سیدعبدالحمید»، نخستین شهید مشروطیت انجامید، زنان تهران در سوگواری برای این شهید به خیابان‌ها ریختند و مردم را به مبارزه علیه استبداد تحریض می‌کردند. همچنین «به دنبال تظاهرات بر ضد مسیو نوز بلژیکی و مهاجرت علما و انقلابیون به قم، این زنان بودند که آتش انقلاب را در تهران شعله‌ور نگاه داشتند.»^{۱۶} نیز «هنگام بست نشینی تجار در سفارت انگلستان، عده‌ای از زنان تجمع کرده، تقاضای ورود به سفارت را کردند؛ ولی وزیرمختار انگلیس مانع آنها شد.»^{۱۷}

شواهد تاریخی و مستندات اجتماعی حاکی از این است که در جریان انقلاب مشروطیت ایران، برخی از زنان مسلمان ایران با در دست گرفتن سلاح، به صف مبارزان پیوسته بودند. حتی برخی از این آزادی‌خواهان استبدادستیز، با پوشیدن لباس مردانه، به نیروهای جهاد ملحق می‌شدند. گویا در این مورد ویژه، شیرزنان غیور و اسلام‌خواه تبریزی را جایگاه ویژه‌ای بوده است. در این باره به روایت سه حادثه تاریخی بسنده می‌کنیم:

روایت اول

در کتاب «سه مقاله درباره انقلاب مشروطه ایران» آمده است: «عکس یک دسته شصت نفری از زنان چادر به سر ایرانی تفنگ به دست اکنون در اختیار ماست. اینان محافظ یکی از سنگرهای تبریز بودند. در روزنامه حبل‌المتین نوشته شده است که در یکی از زدوخوردهای بین اردوی انقلابی معروف ستارخان با لشکریان شاه، بین کشته‌شدگان جنازه بیست زن مشروطه‌طلب در لباس مردانه پیدا شده است و در میتینگ‌های مربوط به مبارزه مشروطیت ایران، زنان ایرانی به تعداد زیادی شرکت داشتند.»^{۱۸}

۱۶۴

روایت دوم

در یکی از شماره‌های روزنامه انجمن درج شده است: «شیرزنان تبریز را در این دوره انقلاب، موقع مخصوصی است و تاکنون در اوراق ملی موضوع بحث نگردیده. این نکته، حیرت‌انگیز و جاذب خبرنگاران جرأید اروپا بوده چنانچه باری در مقالاتشان داد غیرت و دلیری و عفت نسوان آذربایجان داده‌اند... آنکه در محاربات سابق، اجساد شیرزنان مسلح در میدان‌های جنگ، محلات امیرخیز و خیابان، میان شهدای حریت پیدا شده، به موجب استخبارات صحیحه و اطلاعات موثقه هستند زنان شیرافکنی که گاه با تغییر قیافت به یک مهارت مخصوص که در کنار تیراندازی دارند، سینه دشمن را می‌شکافند و آتش به فرق نامردانه سپاه یزید می‌بارند.»^{۱۹}

روایت سوم

در باب حضور زنان تبریزی در میدان نبرد با سپاه استبداد، چنین آمده است: «روزی در انجمن حقیقت می‌خواستند یکی از زخمی‌ها را زخم‌بندی بکنند. مجروح اصرار می‌کرد که لباس او را درنیاورند و بگذارند جان بدهد، تعجب کردند. بالاخره ستارخان نصیحت کرد و از وی خواست که موافقت کند تا زخم بدنش را ببندند. مجروح از روی ناچاری به آرامی گفت: من مرد نیستم، دخترم، میل ندارم لباس از تن برکنم. ستارخان منقلب شد و در حالی که اشک در چشم‌هایش موج می‌زد گفت: قنیزم من دیری اولاً اولاً سن نیه داویه گیدون. «دخترم من که هنوز زنده هستم، تو چرا به جنگ رفته‌ای»^{۲۰} منابع تاریخی «نام این شیرزن رزمنده را «تلی» نوشته‌اند.»^{۲۱}

حضور تاریخی زنان ایرانی در انقلاب مشروطه، به حدی قدرتمندانه است که زن یکی از هواداران استبداد، پس از اعدام همسرش به دست انقلابیون، سربلند می‌گیرد و از پذیرش تابعیت دولت روسیه امتناع می‌ورزد. «مجاهدان گیلان پس از رشت، جهت فتح تهران وارد قزوین شدند و غیاث نظام را که از سردمداران استبداد و هواخواه جدی محمدعلی شاه بود، تیرباران کردند. کنسول روسیه تزاری به محض شنیدن خبر تیرباران غیاث نظام، به خانه وی رفته از همسرش می‌خواهد که پرچم روسیه را بر بالاش درش بزند و تحت‌الحمایه روسیه باشد؛ ولی زن غیاث نظام نمی‌پذیرد و می‌گوید: «من تبعه دولت ایرانم و به حمایت دولت شما احتیاجی ندارم. اگر مجاهدین هموطنم، فرزندانم را نیز بکشند، زیر بیرق بیگانه نخواهم رفت»، این است که وقتی ستارخان عازم تهران بود، این زن قزوینی به دیدار سردار ملی می‌رود و از خدمات سردار قردانی می‌نماید. ستارخان نیز میهن‌پرستی او را می‌ستاید و خطاب به او می‌گوید: شیر، نر و ماده ندارد. تو آن شیرزنی هستی که باید مردان به بزرگواری و شهامت ذاتی تو افتخار کنند.»^{۲۲}

زنان ایران در عصر مشروطه، افزون بر حضور در میدان مبارزه، کار ساماندهی پشت جبهه و تأمین منابع مالی بخشی از نیازهای مبارزان را بر عهده داشتند. به نوشته تاریخ، زنان آزادی‌خواه ایران در راستای مبارزه با عناصر استبداد و استعمار، حتی از فروش جواهرات خود دریغ نمی‌کردند و در این میان عده‌ای از معتمدین با راه‌اندازی «کمیسیون اعانه» از مساعدت‌های مالی زنان بهره می‌بردند.^{۲۳}

بنا به نوشته روزنامه انجمن، در یکی از این مساعدت‌ها، یکی از «مخدرات تهران» به نام «آمنه» از طریق پدیدآورندگان روزنامه اتفاق (چاپ باکو) مبلغ دویست منات به «کمیسیون اعانه» آذربایجان فرستاده است.^{۲۴} برخی از زنان نیز کار «پر کردن پوکۀ فشنگ»^{۲۵} را بر عهده

تشکیل انجمن‌ها و مؤسسه‌های سیاسی - اجتماعی توسط زنان

یکی از مسائل مهم در جریان انقلاب مشروطه، تأسیس و گسترش انجمن‌های مخفی و نیمه سری توسط زنان مبارز است. نقش زنان در این محافل سری و مبارزاتی، مهم و شامل فعالیت‌هایی چون پخش اطلاعات، نشر اخبار، شرکت در تظاهرات و ساماندهی مبارزات ضداستبدادی، پخش اسلحه در میان مبارزان و... است. این محافل حتی به درون دربار شاه قاجار نیز نفوذ کرده بود و ظاهراً دو تن از دختران ناصرالدین‌شاه، به طور ناشناس در یکی از این محافل عضویت داشته‌اند.^{۲۶}

به واسطه فعالیت یکی از این محافل سری بود که «زنان برای مظفرالدین‌شاه نامه تهدیدآمیز فرستادند. [این نامه] حامل تصویری بود که یک دست سرخ را با تپانچه نشان می‌داد و شاه را در صورت چشم‌پوشی از درخواست مردم برای تأسیس عدالتخانه، به مرگ تهدید می‌کرد.»^{۲۷}

آنچه از مطالعه نشریات و رسائل عصر مشروطه برمی‌آید، این است که بسیاری از زنان دست‌اندرکار مبارزه که ظاهراً برخی از سران آنها از طبقات مرفه جامعه نیز بوده‌اند، به عضویت انجمن‌ها و مؤسسه‌های سیاسی و اجتماعی آن روزگار درمی‌آمدند. این انجمن‌ها و نهادها «از حکومت هیچ‌گونه کمک مالی نمی‌گرفتند، زیرا حکومت علناً زنان را از دخالت در امور سیاسی منع می‌کرد. با وجود این، انجمن‌های زنان با آن که تعدادشان اندک بود، توانستند تغییرات مهمی در حیات اجتماعی زنان شهر پدید آورند.»^{۲۸}

در بحث پیرامون مسئله «تشکل‌های سیاسی زنان در عصر مشروطه» عمده درخواست و اهداف زنان در این تشکل‌ها، لزوم آموزش و پرورش زن ایرانی، برخورداری از حقوق زن، ضرورت تکریم روحانیت به وسیله حکومت، لزوم پاسداری از شعائر شریعت بوده است. در این میان، برخی افراد و جریان‌ات غیردینی با نفوذ در انجمن‌ها و محافل سری زنان، در پی استفاده از این نهادها و مؤسسات همسو با اهداف خاص خود بودند. به گمان یکی از مورخان معاصر، برخی از این نهادها و انجمن‌ها با نهادهای فراماسونری در ارتباط بودند.

«به روایت آنچه مورگان شوستر در کتاب «اختناق ایران» آورده است، بسیاری از این انجمن‌ها به صورت نیمه سری فعالیت داشته و با او در ارتباط بوده و از وی حمایت می‌کرده‌اند. توضیحات وی از زوایای پنهان این انجمن‌ها به گونه‌ای است که بیشتر فعالیت‌های فراماسونری را به ذهن متبادر می‌کند، تا آنجا که شوستر، نام‌های متعددی از

مبارزات ضد استبدادی زنان مسلمان ایران در عصر مشروطه

مبلغان خارجی در این انجمن‌ها را ذکر می‌کند.^{۲۹} ذیلاً به نام برخی از این تشکل‌ها و انجمن‌های سری زنان در عصر مشروطه اشاره می‌شود:

الف) انجمن آزادی زنان

این انجمن به سال ۱۲۸۵ شمسی / ۱۹۰۷ میلادی تشکیل شد. دو تن از دختران ناصرالدین شاه در میان اعضای این تشکل دیده می‌شوند. از مهم‌ترین ویژگی‌های این انجمن، حضور خانوادگی اعضا در جلسات می‌باشد. «جلسات انجمن در هر ماه دو بار در محلی خارج از شهر تهران به دلیل راحتی رفت و آمد انجام می‌گرفت. این جلسات مخفی بود و به محض اطلاع مخالفان، حملاتی صورت گرفت.»^{۳۰}

ب) انجمن همت [ناخوانا]

این انجمن که به انگیزه ترویج و تبلیغ استفاده از اشیاء و منسوجات وطنی و تشویق به فراگیری هنرهای دستی در نزد بانوان ایجاد شده فعالیت می‌کرد.^{۳۱}

۱۶۷

ج) اتحادیه غیبی نسوان

این انجمن را سیاسی‌ترین تشکل زنان در عصر مشروطه خوانده‌اند. اتحادیه غیبی نسوان، گرایش شدید انقلابی داشت و عمدتاً خواستار مبارزه مسلحانه با عناصر مستبد قاجار بود. این انجمن اغلب با نمایندگان مجلس بر سر مناقشه بود.

د) انجمن مخدرات وطن

انجمن مخدرات وطن از سال ۱۲۸۹ شمسی / ۱۹۱۱ میلادی فعالیت خود را آغاز کرده است. از مهم‌ترین اهداف تشکیل این انجمن، جلوگیری از خرید کالاهای خارجی و تحریم آنها، مخالفت با استقراض از بیگانگان، دفاع از استقلال میهن و... بود. یکی از اقدامات اساسی مخدرات وطن، مخالفت سرسختانه با اولتیماتوم روسیه تزاری به ایران بود. اعضای این انجمن، به صورت کفن‌پوش در تظاهرات خیابانی شرکت می‌کردند.

ه) جمعیت نسوان وطن‌خواه ایران

این تشکل اجتماعی به سال ۱۳۰۱ شمسی / ۱۹۲۲ میلادی شروع به فعالیت کرد. مهم‌ترین

ویژگی این جمعیت اصرار بر حفظ موازین شرعی و رعایت قوانین اسلام بود. سعی در پرورش اخلاق دختران، نگاهداری از کودکان بی سرپرست، تشکیل هیأت‌های تعاونی و... از اقدامات این جمعیت می‌باشد. «جمعیت نسوان در یکی از اقدامات خود جزوه‌ای موسوم به «مکر زنان» را که از سوی مستبدین قاجار تنظیم شده بود، در میدان توپخانه تهران آتش زد.»^{۳۲}

و) مجمع انقلاب زنان

این مجمع به وسیله دختر ۱۸ ساله‌ای به نام «زندخت» در شیراز بنیاد گذاشته شد. وی قریحه شعری داشت و سروده‌های خود را که دارای مضامینی میهنی بود در «حبل‌المتین» منتشر می‌کرد. از جمله اهداف و آموزه‌های این انجمن می‌توان به تهذیب اخلاق، ترویج معارف اسلامی، ضرورت آموزش و پرورش زنان، پرهیز از افراط در استعمار زیورآلات و... اشاره کرد.

نقش زنان در نشریات دوره مشروطه

زنان مبارز و استبدادستیز ایران در عصر مشروطه، یکی از عمده‌ترین وسیله‌ها برای دستیابی به خواسته‌های مدنی خود را در بهره‌گیری از نیروی مطبوعات و نشریات یافتند. «اولین نشانه‌ای که از انتشار نشریه‌ای مختص بانوان ایران در دست است، مربوط به سال ۱۳۲۸ هجری قمری است. با در نظر گرفتن تاریخ انتشار اولین روزنامه ایران؛ کاغذ اخبار در سال ۱۲۵۳ قمری توسط میرزا صالح شیرازی، درمی‌یابیم که انتظار مطبوعات ایران برای تجربه اولین نشریه ویژه بانوان ۷۵ سال طول کشید.»^{۳۳}

«از انقلاب مشروطه تا سلطنت رضاخان، به تدریج هفت مجله و روزنامه اختصاصی زنان در ایران منتشر شد که این نشریات فعالیت‌های گسترده خود را بعد از مجلس دوم رونق دادند.»^{۳۴}

ذیلاً به نام برخی از نشریات اختصاصی زنان ایران در عصر مشروطه اشاره می‌شود:

الف) دانش

این مجله نخستین نشریه‌ای است که برای دفاع از آرمان‌های زن مسلمان ایرانی انتشار یافته است. «این روزنامه به وسیله نخستین زن روزنامه‌نگار، خانم دکتر کحال از دهم رمضان سال ۱۳۲۸ قمری منتشر گردید.»^{۳۵} این جریده «گرایش سیاسی نداشت و خانم کحال امیدوار بود که از طریق انتشار این قبیل مسائل، بتواند در تصفیه اخلاق و تربیت معنوی خواهران

خود حتی المقدور بکوشد.»^{۳۶}

ب) شکوفه

«روزنامه شکوفه دومین نشریه زنان ایران در سال ۱۳۳۲ قمری توسط مریم عمید منتشر شد و انتشار آن تا ۱۳۳۷ تداوم یافت. این روزنامه که طرفداران زیادی داشت، در آگاه کردن زنان و مبارزه با خرافات و جهل موفق بود.»^{۳۷}

مدیر مسئول شکوفه، در سرمقاله یکی از شماره‌های خود، خط‌مشی روزنامه را «رعایت اخلاق، تربیت دوشیزگان، مدارس نسوان و تصفیه خلق و خوی زنان» اعلام کرده است. گویا این نشریه از سال سوم حیات خود وارد مباحث سیاسی روز با محوریت «مقابله با نفوذ بیگانگان و دول خارجی در ایران» شده است.

ج) نامه بانوان

چهارمین نشریه زنان ایران «نامه بانوان» نام دارد. نخستین شماره این نشریه به مدیریت بانو آزاد و در سال ۱۲۹۹ قمری منتشر شد. مدیر روزنامه درباره انگیزه انتشار این جریده، می‌نویسد: «اگر در علل انحطاط مسلمین عموماً و ایرانیان خصوصاً، تجسس و تفحص کنید، آشکار خواهد شد که جز بی‌علمی هیچ علتی ندارد و تمام خرابی‌های فردی و اجتماعی، ناشی از جهالت و نادانی است...»^{۳۸} این نشریه گاه راه افراط می‌پیمود.

تأسیس مدارس دخترانه؛ اقدامی در راستای مبارزه

از جمله اقدامات زنان مبارز عصر مشروطه، گسترش سطح سواد و دانش دختران ایرانی بوده است. گویا بر اساس همین مسئله است که اغلب تشکل‌های سیاسی زنان و عمده احزاب صدر مشروطه، با شعار «لزوم تأسیس مدارس دخترانه» فعالیت خود را آغاز می‌کردند. از این گذشته در پی تشکیل مجلس شورای ملی، «ضرورت تأسیس مدارس دخترانه»، شعاری بود که نمایندگان داوطلب ورود به مجلس از آن برای حضور در پارلمان، بهره‌برداری سیاسی می‌کردند.

در باب تأسیس مدارس دخترانه نیز برخی با یکسویه‌نگری مدعی مخالفت روحانیت با تأسیس مراکز علمی ویژه زنان شده‌اند. این در حالی است که به گواهی تاریخ، نباید از حمایت ویژه مجتهدان کشور از تأسیس مدارس دختران چشم پوشید. «فعالیت‌های زنان آزاداندیش اگر چه نقش قابل توجهی در تفهیم لزوم تحصیل دختران و تأسیس مدارس ویژه

دخترانه در ایران داشت، با این حال حمایت همه‌جانبه برخی از علما و مجتهدان موجب شد تا اتهامات و تبلیغاتی که علیه مدارس دختران از جانب سنت‌گرایان به عمل می‌آمد، رنگ ببازد.^{۳۹}

در این میان نمی‌توان از اهتمام ویژه آیت‌الله شیخ‌هادی نجم‌آبادی و آیت‌الله سیدمحمد طباطبایی از روحانیون مبارز عصر مشروطه چشم‌پوشی کرد. مرحوم شیخ‌هادی نجم‌آبادی به دلیل پایگاه اجتماعی منحصر به فردی که داشت، ضمن برقراری پیوند مستحکم با مرحوم رشیدی؛ بنیادگذار نخستین مدرسه ایرانی، در جلب مساعدت‌های معنوی روحانیون و کمک‌های مادی مردم به ویژه بازاریان نقش مهمی ایفا کرد.

از پیشگامان تأسیس مدارس دخترانه می‌توان به نام بانو صفیه یزدی همسر روحانی برجسته عصر مشروطه مرحوم آیت‌الله شیخ‌محمدحسین یزدی، همچنین بانو آقابیگم دختر شیخ‌هادی نجم‌آبادی اشاره کرد. پیداست که روحانیون عصر مشروطه نه تنها مخالفتی با تأسیس مدارس دخترانه نداشته‌اند، که نام خود و خانواده خود را نیز به عنوان پیشگامان تأسیس مدارس علمی ویژه زنان ثبت کرده‌اند. البته باید این نکته را خاطر نشان ساخت که اهتمام روحانیت عصر مشروطه در تأسیس مدارس دخترانه در حالی صورت می‌گرفت که این مدارس رنگی از شریعت‌مداری و دین‌پروری داشته باشند. از همین روست که پیشگامان تأسیس مدارس دخترانه حتی در انتخاب نام مدرسه نیز بر شعائر دینی توجه می‌کنند. «قرائنی وجود دارد که نشان می‌دهد زنان ایرانی خواستار آموزش‌های اروپایی برای دختران خود نیستند. از این رو مدارس دخترانه‌ای به نام «ناموس» و «عفتیه» در عصر مشروطه تأسیس می‌شوند.»^{۴۰}

مشارکت زنان در فعالیت‌های بعد از مشروطه

حضور زنان در حوادث تاریخی ایران معاصر، در جریان مشروطیت منحصر نماند. این حضور پیگیر به منظور پاسداری از روحیه ضداستبدادی مردم مسلمان ایران در قالب اقدامات گسترده‌ای چون مشارکت در تأسیس بانک ملی، تحریم کالاهای وارداتی و حمایت از صنایع داخلی، تلاش در راستای تصویب متمم قانون اساسی، کوشش در راه استقرار نظام پارلمانی، اعتراض شدید به اولتیماتوم روس، مخالفت با سیاست بی‌طرفی ایران در جنگ اول جهانی و... تداوم یافت. از نمونه‌های برجسته تاریخی مبنی بر حضور گسترده زنان ایرانی در مبارزات ضداستعماری، می‌توان به نقش بی‌بدیل «شیرزنان آذربایجان» در دفاع از کیان اسلام و ایران

در دوره یکساله حکومت پیشه‌وری (فرقه دموکرات آذربایجان) در سال‌های ۲۵-۱۳۲۴ خورشیدی اشاره کرد. بر اساس شواهد تاریخی، زنان مسلمان و ایران‌دوست آذربایجانی به ویژه غیور زنان تبریزی، در پی رحلت عالم بزرگ شیعی، حضرت آیت‌الله حاج سید ابوالحسن اصفهانی که مقارن با حکومت پوشالی پیشه‌وری در تبریز بود، ضمن حضور گسترده در مراسم عزاء، پشتیبانی خود از شریعت‌گرای محمدی را اعلام کردند. در پی این حضور بی‌سابقه بود که استالین - به عنوان صحنه‌گردان اصلی حکومت فرقه دموکرات - پیغام سری خود به پیشه‌وری را فرستاد و او را توییح کرد که چرا در طول یک سال برقراری حکومت در آذربایجان، در راستای تضعیف مبانی دینی مردم آذربایجان خوب عمل نکرده است.

با وجود این شاید در هیچ برهه از تاریخ معاصر ایران، نتوان نقش روشن و آشکار زن مسلمان ایرانی را در دوره نهضت امام خمینی (ره) مشاهده کرد. تاریخ نهضت امام خمینی (ره) از این حقیقت مسلم حکایت دارد که زنان استبدادستیز ایران در این قیام الهی پا به پای مردان درخشیدند. در دوره دفاع مقدس و جنگ تحمیلی نیز، زنان ایران ضمن حضور در سنگرهای نبرد به ویژه پشت جبهه، قهرمانی‌ها و دل‌آوری‌های فراوانی - چه در اسارت‌گاه‌ها و چه در میادین نبرد - از خود نشان دادند. سخن در این مورد را با فرازی از فرمایشات امام خمینی (ره) درباره نقش زنان در مبارزات ضد استبدادی به پایان می‌آورم: «در جنبش تنباکو و جنبش مشروطیت، زن‌ها هم‌دوش با مردها فعالیت کردند. زنان در جامعه بودند و با مردها راجع به امور سیاسی و امور اجتماعی و رفتاری‌های مملکت خودشان فعالیت می‌کردند... در همه رفتاری‌ها، زن‌ها جلو می‌افتادند و همراه با مردها و مسائلی را که مربوط به مملکت خودشان بود، می‌گفتند.»^{۴۱}

پانوشتها

- * پژوهشگر و عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی - انسانی دانشگاه تبریز.
- ۱- مشکور، محمدجواد؛ تاریخ ایران زمین از روزگار باستان تا انقراض صفویه، تهران، اشراقی، ج ۲، ۱۳۶۳، ص ۲۳۶.
 - ۲- نگارنده در کتاب «فصل‌های تاریکی» (واکنش شاعران قاجار به اشغال قفقاز) بحث مفصل و مستوفایی در خصوص نتایج و دستاوردهای سیاسی و اجتماعی و ادبی اشغال قفقاز مطرح کرده و در بخشی از آن به ارزیابی فجایع اجتماعی حضور گریبایدوف و اقدامات او در جدا شدن شهرهای قفقازی ایران اشاره کرده است.
 - ۳- تکمیل همایون، ناصر؛ بررسی مقام و منزلت زن در تاریخ ایران، مجله فرهنگ و زندگی، شماره ۱۹ و ۲۰، پاییز

- ۱۳۵۴، ص ۳۳.
- ۴- نجمی، ناصر، تهران عهد ناصری، انتشارات عطار، تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۵۹.
- ۵- تهران عهد ناصری، ص ۱۶۱.
- ۶- کربلایی، شیخ حسن؛ تاریخ‌الدخانیه، مقدمه ابراهیم دهگان، بی‌نا، اراک، بی‌تا، ص ۱۱۰.
- ۷- همان، ص ۱۱۰.
- ۸- تیموری، ابراهیم، تحریم تنباکو، ج ۳، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۶۱، ص ۱۵۲.
- ۹- همان، ص ۱۰۶.
- ۱۰- کسروی، احمد، تاریخ مشروطه ایران، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۴، ص ۶۸.
- ۱۱- همان، ص ۶۹.
- ۱۲- کرمانی، ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۲، نوین، تهران، ۱۳۶۲، ص ۳۶۶.
- ۱۳- دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، ج ۲، بی‌نا، تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۶.
- ۱۴- آزاد، زهرا، توسعه مشارکت زنان در عرصه سیاسی و اجتماعی عصر قاجار، مجموعه مقالات همایش بزرگداشت مشروطه، ستوده، تبریز، ۱۳۸۲، ص ۸۵.
- ۱۵- ناهید، عبدالحسین، زنان ایران در جنبش مشروطه، نشر احیا، تبریز، ۱۳۶۰، ص ۵۵.
- ۱۶- مجله فرهنگ و زندگی، ص ۳۶.
- ۱۷- همان، ص ۳۷.
- ۱۸- ایرانسکی، پاولویچ، سه مقاله درباره انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه م. هوشیار، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۵۷، ص ۵۵.
- ۱۹- روزنامه انجمن، س سوم، ش ۴۱، صفر ۱۳۲۷ قمری، ص ۳.
- ۲۰- طاهرزاده بهزاد، کریم، قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ایران، ج ۱، اقبال و شرکا، تهران، ص ۳۲۷.
- ۲۱- برادران شکوهی، سیروس، بیداری و نقش زن در انقلاب مشروطه از خلال روزنامه‌های تبریز، مجموعه مقالات همایش علمی انقلاب، تبریز، ستوده، ۱۳۸۲، ص ۸۲.
- ۲۲- امیرخیزی، اسماعیل، قیام آذربایجان و ستارخان، تهران، عطایی، بی‌تا، ص ۵۴۹.
- ۲۳- قیام آذربایجان و ستارخان، ص ۱۶۳.
- ۲۴- بیداری و نقش زن در انقلاب مشروطه، ص ۸۲.
- ۲۵- جلال‌زاده، م، حضور زن در نهضت‌ها، بعثت، تهران، بی‌تا، ص ۳۳.
- ۲۶- محمدی، لایلا، توسعه مشارکت زنان در عرصه سیاسی و اجتماعی، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های همایش بزرگداشت مشروطه، تبریز؛ مراد ۸۲ انتشارات ستوده، ۱۳۸۳، ص ۸۸۲.
- ۲۷- ملک‌زاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، ج ۲، ابن‌سینا، تهران، ۱۳۶۴، ص ۶۱.
- ۲۸- توسعه مشارکت زنان در عرصه سیاسی و اجتماعی، ص ۱۷۹.
- ۲۹- توسعه مشارکت زنان در عرصه سیاسی و اجتماعی، ص ۸۸۳.
- ۳۰- بامداد، بدرالملوک، زن ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، ج ۲، ابن‌سینا، تهران، ۱۳۴۷، ص ۷.
- ۳۱- سعیدی، حوریه، شکوفه روزنامه زنان ایران؛ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۷، پاییز ۱۳۹۰، دانشگاه آزاد اسلامی، صص ۸-۳۴۷.
- ۳۲- زن ایرانی از انقلاب مشروطیت تا انقلاب سفید، ج ۱، ص ۴۶.
- ۳۳- آزاد، زهرا، بررسی علل و چگونگی انتشار نخستین نشریه‌های زنان در عصر مشروطه، مجموعه مقالات همایش بزرگداشت مشروطه، ستوده، تبریز، ۱۳۸۲، ص ۸۵.
- ۳۴- امامی، فیض‌الله، نقش نشریات و تشکل‌های سیاسی و اجتماعی زنان در انقلاب مشروطه، مجموعه مقالات همایش بزرگداشت مشروطه، تبریز، ستوده، ۱۳۸۴، ص ۱۳۷.
- ۳۵- رابینو، هل، روزنامه‌های ایران از آغاز سال ۲۹ قمری تا ۱۲۸۹ شمسی، ترجمه جعفر خمایی‌زاده، اطلاعات، تهران، ۱۳۸۲، ص ۱۴۱.

مبارزات ضد استبدادی زنان مسلمان ایران در عصر مشروطه

- ۳۶- روزنامه دانش، س اول، شم اول، (دهم رمضان ۱۳۲۸ قمری) ص ۲.
- ۳۷- شیخ الاسلامی، پری، زنان روزنامه‌نگار و اندیشمند ایرانی، بی‌نا، تهران، ۱۳۵۱، ص ۷۱.
- ۳۸- نقش نشریات و تشکل‌های سیاسی و اجتماعی زنان در انقلاب مشروطه، ص ۱۴۷.
- ۳۹- خسروپناه، محمدحسین، هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی، پیام امروز، تهران، ۱۳۸۱، ص ۲۰۱.
- ۴۰- توسعه مشارکت زنان در عرصه سیاسی و اجتماعی، ص ۸۲۲.
- ۴۱- [امام] خمینی، سیدروح‌الله، سیمای زن در کلام امام خمینی، ج ۳، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۹، ص ۹۷.

